

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

خنجر بیداد

چارتگا ، در این اواخر ، عزم منبر میکنند
وز رقابت در خفا ، ایجاد هر شر میکنند
ظاهراً باهم رفیق و ، باطناً با هم رقیب
بر ستیژ آبرو ، ایستاده ، عرعر میکنند
سالها این تیکه داران ، دامن فرهنگ را
از جهالت پاره کرده ، بسته بر سر میکنند
خنجر بیداد عریان ، از غلاف نظم و نثر
واژه های دوستی را ، قطع خنجر میکنند
از بساط خودنمایی ، تن خری ، ارزان و مفت
زین تجارت ، جیب های خود پر از زر میکنند
من نمی دانم ، چرا ، این نابکاران دغا
گوش مردم را زعوعو ، روز و شب کر میکنند
چون گدای معرفت ، از خود ندارند چیزی
چیز مردم را گرفته ، جامه در بر میکنند
گرچه شیطان لعین ، استاد هر فسق و فساد
موتور ابلیس را ، با حقه پنجر میکنند
ذوق فرهنگی شدن باشد ، اگر بر خوشگلی
دعوتش منزل نموده ، شوق بستر میکنند
تشنه نام و نشان و ، گشنة عز و مقام
از برای کسب شهرت ، پشت بر خر میکنند
گر رسد القاب خیراتی به ایشان از کسی
حلقه های بردگی ، در گوش باور میکنند
بین مردان و زنان اهل فرهنگ جهان
رشته های دوستی را ، جر و بنجر میکنند
در حضور بلبان و ، عندلیبان وطن

قَدْ قُدَّ وَ غُمُّرُ بِهِ مَثَلِ مَرِغٍ وَ كَفْتَرُ مِیْکَنْد
کَرِگَسِ وَ کَلَمَرِغِ وَ بَوْمِ وَ بَاشِهْ دَرِ بَاغِ اَدَبِ
نِقْ نِقْ وَ پِقْ پِقْ بَسَانِ زَاغِ اَبْتَرِ مِیْکَنْد
پَرْدِهْ بَرْدَارِدِ کَسِ ، اَزْ چِهْرَهْ اَصْلِیِّ شَانِ
نَاسَزَا گَوِیِ ، بَهْ اَوَلَادِ پِیْمَبَرِ مِیْکَنْد
« نَعْمَتَا » بَغْرِیَزِ اَزْ اِیْنِ نَاعَقِیْنِ وَ نَاعَقَاتِ
تُهْمَتِی ، هَمْ بَرِ خَدَا وَ ، دِیْنِ وَ ، رَهْبَرِ مِیْکَنْد